



عرفان آیت‌الله بهاء‌الدینی؛ نمونه‌ای از عرفان حق و اصیل

آیت‌الله سیدمحمد قائم‌مقامی، آیت‌الله سیدرضا بهاء‌الدینی را از جمله علمای عارف دانست که عرفانش بر مبنای اصول و قرآن شکل گرفته بود.

آیت‌الله سیدمحمد قائم‌مقامی، آیت‌الله سیدرضا بهاء‌الدینی را از جمله علمای عارف دانست که عرفانش بر مبنای اصول و قرآن شکل گرفته بود.

«اصلاح نفس وقتی ممکن است که معرفت به خدای تعالی پیدا شود و معرفت به خدای تعالی از بندگی خدای تعالی به دست می‌آید. حقیقت بندگی، اخلاص است؛ یعنی اگر همه چیز و همه کار را برای خدا انجام دادید و بقیه را پوچ بدانید، این اخلاص و بندگی است». جملات فوق بخشی از جملات ناب آیت‌الله سیدرضا بهاء‌الدینی است که سال‌ها عمر پربرکت خود را صرف تحصیل علم و رسیدن به مقام اجتهاد و سپس تربیت شاگردان به نام خود کرد. این پیر ژرفاندیش سال‌ها در مسیر عرفان قدم برداشت و در این مسیر ذره‌ای از اصول و فقه و قرآن فاصله نگرفت. 27 تیرماه مصادف با سالروز رحلت این فقیه فرزانه است و همین مسئله بهانه‌ای شد تا با یکی از مدرسان حوزه و دانشگاه و از پژوهشگران و محققان عرصه علوم دینی گفت‌وگویی داشته باشیم.

آیت‌الله سیدمحمد قائم‌مقامی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) درباره مرحوم آیت‌الله سید رضا بهاء‌الدینی گفت: مرحوم بهاء‌الدینی یکی از علمای عارفی بود که عرفان صحیح را بر مبنای قرآن و سنت و تبعیت از اهل بیت علیهم‌السلام و بدون انحراف در عقاید و رفتار، داشت. در واقع عرفان این عارف بزرگ را می‌توان نمونه‌ای از عرفان حق و اصیل دانست. وی افزود: ما معتقدیم علمای موفق کم و بیش از مرتبه‌های عرفانی برخوردار هستند اما برخی از این افراد به طور مشخص‌تر عارف بودند مانند شخصیت‌هایی همچون امام خمینی (ره)، آیت‌الله طباطبایی و مرحوم سید بهاء‌الدینی چراکه عنصر عشق به خداوند در این افراد کاملاً تجلی پیدا کرده بود. این مدرس حوزه با بیان اینکه مرحوم بهاء‌الدینی تأکید زیادی به مسئله اخلاق داشت، گفت: عرفان، شناخت و معرفت است. عرفان مولود اخلاق و بر تقوا و تزکیه نفس استوار می‌شود ضمن اینکه تأکید بر اخلاق میان اهل عرفان، مسئله مشترکی است بطوری‌که عرفان مبتنی بر اخلاق منجر به داشتن بیان لطیف و دلنشین در عارف می‌شود.

سید بهاء‌الدینی از حامیان انقلاب اسلامی بود
وی مرحوم بهاء‌الدینی را از طرفداران انقلاب اسلامی دانست و بیان کرد: سید بهاء‌الدینی از حامیان جدی انقلاب و امام خمینی و بعد از آن مقام معظم رهبری بود و به مقام ولایت تأکید زیادی داشت. شهید صیاد شیرازی از جمله مریدان او محسوب می‌شد که علاقه زیادی به بهاء‌الدینی داشت.
قائم مقامی به وجه تمایز میان عرفان حق و عرفان کاذب اشاره کرد و افزود: عرفان با فقه، معیت همیشگی داشته‌اند بطوری‌که عارف باید اهل شریعت و فقیه باشد. این همراهی وجه تمایز عرفان حق از عرفان‌های کاذب و جعلی محسوب می‌شود. عارف در عرفان کاذب، فقیه نیست و با کمترین تجربه معنوی دچار توهم می‌شود اما افرادی همچون سید بهاء‌الدینی و آیت‌الله طباطبایی از جمله عرفای واقعی محسوب می‌شوند.

وجود جذابیت‌های خاص در عرفان حق و عرفان جعلی
این محقق در تشریح رواج عرفان‌های کاذب اظهار داشت: رواج عرفان جعلی در جامعه دارا ی دو علت دارد: اول اینکه عرفان حق و عرفان جعلی دارای جذابیت‌هایی هستند زیرا حاصل عمل و رفتار بوده و به دنبال عنایت، معرفتی برای افراد حاصل می‌شود. عرفان بخشی از علوم لدنی و الهام محسوب می‌شود و علم لدنی همواره به علت اتصال به پروردگار دارای جذابیت‌ها و حالات تازه‌ای است.

قائم مقامی اضافه کرد: دوم اینکه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رویکرد عمومی به سمت دین و خدا و معرفت پدید آمد و در مقطعی که ایسم‌های مختلفی مانند سکولار و لائیک با شکست مواجه شده بودند، انقلاب اسلامی دنیای جدیدی با رویکرد بازگشت به خداوند و توجه به عرفان را تشکیل داد. در چنین بستری کسانی بودند که با افکار غرض‌ورزانه، عرفان‌های بدلی را ترویج دادند. این افراد کسانی مستعد با تجربه‌هایی از معنویت بودند که توهم ارتباط با خداوند داشتند و از این طریق مخاطبانی را هم جذب می‌کردند.

وی درباره کسانی که میل به عرفان‌های جعلی پیدا می‌کنند، گفت: تعدادی از کسانی که جذب عرفان کاذب می‌شوند در واقع به دنبال عرفان حق هستند اما در چنین جریانی ورود پیدا می‌کنند و بودند کسانی که بعد از آشنایی با این عرفان غلط، روش خود

را اصلاح کردند. افرادی هم که در وجود خود اغراضی دارند و از دین حق تمکین نمی‌کنند، میل به عرفان‌های جعلی پیدا می‌کنند.

عرفان بدلی شک به وجود خداوند را منجر می‌شود
قائم مقامی افزود: عرفان‌های بدلی در ابتدا شور و اشتیاقی را در افراد ایجاد می‌کند اما این هیجانات بعد از مدتی فروکش کرده و تبدیل به خستگی، افسردگی و شک به اصول و مبانی و حتی خداوند می‌شود.
این محقق خاطرنشان کرد: بقای شور و حال و اشتیاق اگر بر مبنای فقه و شریعت باشد، تضمین شده است زیرا سنت در درازمدت حالت قدسی را در انسان حفظ می‌کند اما عرفان جعلی که مبتنی بر سنت و فقه نیست در ابتدا حالات هیجانی خاصی به انسان می‌دهد بطوری‌که افراد شور و حال خاصی را با خواندن نماز در خود احساس می‌کنند اما به دلیل قرار نداشتن در مجرای درست در مدت کوتاهی آن شور و اشتیاق فروکش می‌کند و شک جایگزین آن می‌شود.
قائم مقامی در پایان سخنان خود عرفان جعلی را دارای انواع مختلفی دانست و گفت: بعضی از افراد به دلیل جهل و نادانی و عوام زدگی دچار توهماتی می‌شوند و از آن عرفان یاد می‌کنند اما کسانی هستند که از طریق عرفان جعلی با جن ارتباط می‌گیرند و این کارشان کاملاً جنبه شیطانی پیدا می‌کند.